

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده

شیخ خالد غفوری

اصل مقاله

مترجم: سید هادی عظیمی

به مناسبت انتشار جلد اول از (موسوعه فقه اسلامی طبق مذهب اهل بیت(ع))

تألیف و تحقیق: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی

ناشر: مؤسسه دائره‌المعارف

به علت کثرت، توسعه و پیشرفت سریع علوم، تنها راه دست یابی و آگاهی سریع، آسان و همگانی به علوم و فرهنگها، روش دایره‌المعارفی یا همان روش الفبایی است که در ارائه مطالب و معلومات به شکل جدید، سهم فراوانی دارد.

ناگفته نماند که این روش، نخست از گردآوری معلومات از مصادر و تقسیم آنها بین شماری از عناوین، با ترتیب الفبایی و گاه تعدیل یا بازنویسی عبارات فراتر به نظر نمی‌رسد، اما پژوهش گرانی که این روش را در تدوین علوم، بویژه فقه، آن هم در گستره دایره‌المعارف فقه اهل بیت برگزیده اند، بیشتر سختی و مشکلات آن را درمی‌یابند، زیرا در فقه، حجم، گستردگی و انبوهی مطالب، بسیار است و کثرت و گوناگونی آراء و اختلاف گرایشها و برداشتهای فقهی و فراوانی مصادر و تفاوت لغات، با نگاه به گذشت زمان، بر پیچیدگی و مشکلات کار می‌افزاید؛ چه برسد که بخواهیم، در گردآوری معلومات تا حد وسیعی، استقراء و کاوش کنیم و مخاطبان خود را تنها اهل فن و تخصص بدانیم.

بنابراین، چنانچه تدوین دایرةالمعارف فقه تخصصی را پدیده ای تاریخی، سترگ و گران سنگ بدانیم که با هیچ یک از آثار و تألیفات دیگر، مقایسه شدنی نباشد، گزاف و مبالغه نکرده ایم.

اکنون که جلد اول موسوعه فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل بیت(ع)، پس از چند سال تلاش پی گیر و طاقت فرسا، انتظار اهل فضل و تحقیق را با توجه به حمایت‌های بی دریغ مادی و معنوی مقام معظم رهبری دام ظلّه الوارف برآورد و به گنجینه کتب اسلامی پیوست، شایسته است که برای شناساندن این اثر گران سنگ، ابتدا چکیده مطالب آن را بررسییم و آن گاه به ویژگی های آن پردازیم.

بررسی مطالب کتاب

اولین قسمت از مطالب کتاب که به تحقیق و بررسی ارزش مندی در باره فقه اهل بیت(ع) پرداخته، مقدمه گسترده ای است که به دلیل اهمیت مطالبش، چکیده آن را می آوریم.

در این مقدمه، پیرامون دو محور اصلی، بحث شده است:

محور اول: تعریف فقه اهل بیت(ع)

نکته اول: فقه و اجتهاد در لغت و اصطلاح تعریف می شود و سپس نظر اهل بیت(ع)، درباره اجتهاد رأی و تأکید آنان بر مردود بودن اعمال نظر و رأی شخصی، در تشریحات و قوانین الهی می آید و شدت انکار آنان بر کسانی که دین الهی را به نقص، متهم کرده اند و یا در احکام قضات و اهل فتوی، به تصویب معتقد شده اند، و دیگر این نکته را به یاد می آورد که اهل بیت(ع) گرایش به وجود آمده پس از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) را درباره ممانعت از نقل سنت پاک نبوی و نشر و تدوین آن، هرگز نپذیرفته اند.

افزون بر این، به علل رونق دهنده حوزه رأی، اشاره می شود که یکی از آنها تصنیف مجامع حدیثی و صحاح، در این حوزه ها، پس از رونق و رواج رأی است؛ یعنی این که پیش از تصنیف و جمع آوری احادیث، فتاوی و احکام شرعی آن مذاهب، مفروغ عنه و پذیرفته شده بوده و بیشتر فتاوی در آن حوزه ها، از احادیث، استنباط نشده بوده و فحوص و جست و جوی در تمام آنها، با شناخت کامل نبوده است. اما در فقه امامیه، مرحله اجتهاد فقهی، پس از تکامل و اجتماع احادیث و صدور روشهای معصومان(ع) آغاز می شود که در گذر سه قرن، تدوین آنها صورت گرفته است.

نکته دوم: ویژگیها و مشخصات فقه اهل بیت(ع) را در ده مورد اشاره می کند.

نکته سوم: سیر تاریخ فقه اهل بیت(ع) در چند مرحله است:

الف. مرحله فقه روایات که در اصطلاح، مرحله صدور نامیده می شود و مراد از آن، عصر نبی اکرم (ص) است و آن گاه ائمه اطهار (ع) که از امام علی (ع) آغاز و به امام دوازدهم (ع) پایان می گیرد. این مدت بریده ای طولانی از تاریخ است که نزدیک به سه قرن می شود. بنابراین، تاریخ صدور نص و بیان شرعی، در فقه اهل بیت (ع)، تا ابتدای قرن چهارم هجری ادامه داشته که به خوبی، فراوانی نصوص شرعی را در فقه اهل بیت (ع) برمی تابد.

سپس برای تبیین گستره صدور روایات از امامان اهل بیت (ع)، آمار برخی از روایان از هر امام و همچنین، آمار و شماره مجموع روایات صادر شده از آنان، برآورد می شود.

ب. مرحله فقه اجتهادی یا آن چه در اصطلاح، عصر اجتهاد نام دارد که از سالهای نخست قرن چهارم و بعد از دوران غیبت کبری (339 هـ ق) آغاز شده و تا امروز، ادامه دارد. در این مرحله، فقه و اجتهاد، شش دوره را پشت سر گذاشته است:

دوره اول: دوره تأسیس که از عصر غیبت (میانہ قرن سوم هجری) آغاز می شود و در سالهای نخست قرن پنجم، به سر می رسد.

دوره دوم: دوره انطلاق و رهایی که از زمان شیخ طوسی (نخستین سالهای پنجم هجری) می آغازد و تا به زمان محقق حلّی (میانہ قرن هفتم) می انجامد.

دوره سوم: دوران استقلال و تکامل که از عصر محقق حلّی (نیمه قرن چهارم) تا پایانه قرن دهم و زمان شهید ثانی، ادامه می یابد.

دوره چهارم: دوران افراط و تفریط در استناد به روایات که از زمان محقق اردبیلی (پایانه قرن دهم) تا پایانه قرن دوازدهم، پی گرفته می شود.

دوره پنجم: دوران تصحیح و میانه روی که از پایانه قرن یازدهم تا نخستین سالهای قرن سیزدهم ادامه می یابد.

دوره ششم: دوران رشد و شکوفایی که در پی دوره پیشین به شمار می رود. آغازگر این دوران، شیخ مرتضی انصاری، در میانہ دوم قرن سیزدهم پا به عرصه میدان نهاده؛ این دوره تا به امروز، ادامه می یابد.

اکنون با نگرش به این بررسی دقیق و عمیق، چند ویژگی آن را اشاره می کنیم:

اول: این تقسیم، بر پایه ملاحظه و توجه به پیشرفتها و پذیرشهای به وجود آمده در علم فقه است، زیرا نظریات و مبانی فقهی، از محرکهای خارج از متن علم (موقعیتهای سیاسی و اجتماعی و جغرافیایی فقهاء) تأثیر نمی پذیرد.

دوم: این بررسی، تنها ویژگی های هر دوره و امتیازات آن از دوره های دیگر را بیان می کند که ژرف نگری صورت گرفته در آن را برمی تابد.

سوم: انحصار تاریخی آن دوره ها در فاصله های زمانی مشخص و معین است که همچنین به اعلام هر عصر و دگرگونی های علمی مهم آن نیز اشاره می شود.

محور دوم: شناساندن موسوعه فقهی بر طبق مذهب اهل بیت(ع)

در این بحث، تعریف اصطلاح (موسوعه)، خاست گاه تدوین موسوعه فقهی، ویژگی های روش دایرةالمعارفی و موسوعی، پیشینه تاریخی موسوعه نویسی، بیان روش کلی موسوعه فقهی، به طور گسترده و دقیق و زیر عنوان جداگانه ای بیان می شود. از آن جا که مهم ترین اساس، در تدوین مباحث گردآوری شده در موسوعه، عنوانها و مقاله هاست، در مقدمه تعریف دقیق و گسترده اصطلاح عنوان و انواع عنوانها از جهت ماهیت و مفهوم و ارتباط میان عنوانها بیان می شود و آن گاه به چگونگی تقسیم این عنوانها در ضمن موسوعه و مبنای این تقسیم، اشاره می گردد و سپس بر اساس آن مبانی، عنوانهای فقهی، در چهار قسم زیر، به گونه ای دقیق و فنی آورده می شود.

1. عنوانهای اصلی؛

2. عنوانهای فرعی؛

3. عنوانهای تألیفی؛

4. عنوانهای دلالی و اشاره ای.

پس از آن، به چگونگی ترتیب این عنوانها، بر اساس روش الفبایی و به طور مفصل، به روش نوشتن مقاله ها، اقسام این روشها، عناصر تشکیل دهنده مقاله ها و مباحث، کیفیت تنظیم و ترتیب آن و سطح خطاب در آنها، اشاره می شود. آن گاه مصادر اعتماد شده بر آنها را برمی شمرد تا گستره محدوده مصادر را برنماید.

24 عنوان در جلد اول کتاب، گرد آمده که با عنوان (ائمه) آغاز و به عنوان (آئیه) پایان می گردد؛ ده عنوان از قسم عنوانهای دلالی و اشاره ای است که درباره آنها به جای خود بحث می شود، همچون: (آباء) و (آمه) و چهارده عنوان دیگر که بعضی از آنها را گسترده می پردازد، همچون: (ائمه) و (آمین) و (آئیه) که از قسم عنوانهای اصلی هستند.

اما دیگر عنوانها، یا گزیده بحث و بررسی می شوند، مانند: (آجر) و (آفاقی) که از عنوانهای فرعی هستند، و یا به اجمال و تفصیل، مانند: (آداب) و (آلات).

پنهان نماند که این عنوانها چنان بحث می شود که به دلیل دربرگیری تمام مسائل و فروع فقهی و اقوال، ادله و مصادر پذیرفتنی، این موسوعه را برجسته و یکتا می نماید.

اما درباره سطح کلی بحثها، باید گفت که دقت فراوانی در آنها شده و تنها به آوردن یک دیدگاه و بیان اجمالی آن، بدون پرداختن به عمق مطالب، بسنده نشده بلکه هر نظر و دیدگاهی را به طور کامل آورده و از این جهت، بسیار در گردآوری و ارائه فقه اهل بیت(ع) پیروز بوده است.

امتیازات این موسوعه

در این بخش با اندک اشاره ای، ویژگی های امتیاز دهنده این موسوعه را برمی شمیریم:

اولین ویژگی: این موسوعه به تمام عنوانها و اصطلاحهای فقهی می پردازد و چیزی را فرو نمی گذارد.

دومین ویژگی: تقسیم بندی عنوانها و اصطلاحهای فقهی، چنانکه در مقدمه اشاره می شود، به گونه ای فنی، منطقی و بر اساس مبنای دقیق و محکمی است که به تفصیل بحث در برخی از آنها و اجمال در بعضی دیگر و ارجاع قسم سوم می پردازد.

سومین ویژگی: موسوعه، بخشهایی را دربرمی گیرد که برای اولین بار در فقه مطرح شده است؛ بویژه با چنان دقت و عمق و ظرافت خاص نمونه آن عنوان (آداب) است که به رغم اندک نمودن بحث، کوشش فراوانی است در جمع مطالب آن و چگونگی استنتاج و استخراج مطالب، به گونه ای دقیق و عمیق که موارد آن را فقها به کار گرفته اند.

چهارمین ویژگی: در بحثهای گسترده این کتاب، درباره همچون: (آمین) و (آنیة) تمام فروع و اقوال، گرد آمده است که تلاش فراوانی را در گردآوری این اقوال، حکایت می کند.

افزون بر این، در بیان اقوال و تقسیم و بیان سیر تاریخی و صدور آنها، دقت و ژرف نظری فراوانی شده که جلوه این دقت نظر را در بحث (حکم التطهیر بآنیة الذهب والفضة)¹ می توان دید و سپس با مقایسه این مطالب با مشابه خود در کتب فقهی و حوزه های علمی دیگر، به نمایی روشن تر از این دقت نظر، دست یافت.

برای نمونه، درباره مسائلی که سیر تاریخی حکم آنها بیان شده، به حکم، (استعمال آنیة الذهب والفضة) می توان، اشاره کرد که دگرگونی و سیر پیشرفت آن، در پنج مرحله، بیان می شود:

1. مرحله پیش از شیخ طوسی که فقهای پیش تر از این زمان، تنها به حرمت اکل و شرب از ظروف طلا و نقره تصریح کرده اند، اما حکم دیگر استفاده ها را نگفته اند؛

2. مرحله زمان شیخ طوسی که برای اولین بار، به حرمت مطلق استعمال و نیز حرمت اقتناء تصریح کرد و فقهای متأخر از وی نیز پیروی کردند.

شاید بتوان گفت که کلمات سید رضی نیز بر وجود مانند این قول، پیش از شیخ، اندک دلالتی می کند؛

3. مرحله زمان محقق حلی که وی نخست، در حرمت استفاده برای غیر استعمال (ادّخار و اقتناء) تردید کرده و سپس، منع را پذیرفته که علامه نیز چنین کرده است. در هر حال، موضع حرمت، همچنان به قوت خود می ماند و برای همین، برخی از فقها، بر حرمت مطلق استعمال، ادعای عدم خلاف کرده اند.

4. مرحله زمان محقق اردبیلی که نخست قول به کراهت استعمال را نیکو می شمرد، اما با توجه به اجماعی بودن حرمت استعمال و ظهور بعضی از روایات در حرمت، هرچند که قدر متیقن از اجماع و اخبار، استعمال است، نه مطلق استفاده و اقتناء، احتیاط را در ترک مطلق استفاده می بیند.

این تشکیک، در پیروان محقق اردبیلی، همچون: سبزواری و مجلسی تأثیر می گذارد؛

5. اما مشهور، از این تشکیکها تأثیری نپذیرفتند و همچنان به حرمت مطلق استعمال، فتوی دادند. اندکی از معاصران، حرمت را تنها اکل و شرب می دانند و دیگر استعمالات را تجویز می کنند و البته در این باره، احتیاط را روا می دارند، اما دیگر علما، از آن چه متعارف بوده، پیروی کرده اند و استفاده از ظروف طلا و نقره را مطلقاً حرام دانسته اند.

ناگفته نماند که تمام این مراحل، براساس نصوص و شواهد محکم بیان شده است. 2.

پنجمین ویژگی: در بیان گرایشهای فقهی، دقت فراوانی شده، زیرا شناخت اقوال درباره یک مسأله، گاهی براساس نگاه به ظاهر عبارات احکام فقها در آن مسأله است که در این صورت، شناخت اقوال در همین اندازه، خواهد ماند و از بیان شماری از کلمات فقها، فراتر نمی رود.

و اما گاهی شناخت اقوال یک مسأله، براساس نگاه به ادله و مبانی پنهان در پس آن اقوال است؛ ناگزیر این نوع نگرش به اقوال، با بهره مندی از اجتهاد و با نگاه به عملیات استنباط، صورت می گیرد. این دو نگرش، در سطح و رتبه، گاهی موجب تأثیر در نتایج هم می شود: به این صورت که در نگرش اول، شمار اقوال یک مسأله، چه بسا بیشتر از واقع به نظر آید، در حالی که از دیدگاه اجتهادی، شمار اقوال و گرایشها به آن اندازه فراوان نباشد. همین طور است، عکس مطلب.

نمود این ویژگی را می توان با توجه به بعضی از نمونه ها در موسوعه، مشاهده کرد، مانند: بیان گرایشهای فقهی درباره حکم (آمین) در نماز:

اول: بیان موضع فقههای امامیه به صورت اجمال، همراه با بیان موضع دیگر فقههای مذاهب فقهی اسلامی که چنین آمده است:

(ذهبت العامه إلى أن التأمين عقب الحمد في الصلاة سنة، وذهب بعضهم إلى وجوبه على الامام في الصلاة الجهرية. وأما فقهاؤنا فقد اتفقت كلمتهم على عدم كونه سنة، بل عدم مشروعيته في الصلاة، حتى أصبح ذلك موقفاً واضحاً للمذهب. واختلفت كلماتهم بعد ذلك في حرمة وبطلان الصلاة به. فذهب المشهور بل المعظم إلى القول بحرمة وبطلان الصلاة به، بل ادعى عدم وجدان الخلاف فيه - إلا ما حكى عن الاسكافي وأبي الصلاح الحلبي - بل الإجماع والاتفاق عليه وعلى أن قولها بدعة.

وفى قبال ذلك نسب إلى ابن الجنيد الاسكافي وأبي الصلاح القول بالجواز وإن لم نتحقق النسبه، كما نسب المحقق القول بالكراهة إلى قائل مجهول، واحتمله - بل مال إليه - فى المعبر أولاً و ان حكم فى آخر المطاف بأن الأولى الامتناع عنه، ومثله الأردبيلي، واختار الكراهة الفيض الكاشاني، واحتملها العاملى مستجوداً القول بالتحريم دون الإبطال.)³

دوم: پس از طرح پرسشی درباره مسأله، پاسخ آن را از نگاه فقها، از اسکافی تا زمان شیخ طوسی و پیروانش، آن گاه محقق، علامه، کرکی، فاضل اصفهانی، کاشف الغطاء، محقق نجفی و سپس فقههای معاصر، برمی رسد.⁴

به دلیل استناد به منابع، نتیجه اعتمادبرانگیز برای (آمین)، دو حکم است: یکی حرمت تکلیفی و دیگری حکم وضعی و یا بطلان نماز.

سپس به سه احتمال ممکن، در مراد فقها، از حرمت تکلیفی و ترجیح یکی از آن احتمالات و تفاوتهای هرکدام و همچنین به خاستگاه قول به حرمت وضعی (بطلان) و مبانی آن، اشاره می شود.

و در پایان، پس از این بحث دقیق که جوینده را در اعماق استدلالها فرومی برد، برای بار دیگر، به نصوص باز می گردد و زیر عنوان (قراءه جدیدة للأقوال) می آورد:

(ويتضح من مجموع ما تقدم أن المستظهر أولاً من كلمات الأصحاب وإن كان تعدد الأقوال وكثرتها فى قول أمين عقب الحمد فى الصلاة - من القول بالجواز أو الكراهة أو الحرمة تكليفاً ووضعاً أو الحرمة تشريعاً والبطلان وضعاً أو

الحرمة دون البطلان أو البطلان دون الحرمة - إلا أنه بالدقة ترجع الأقوال والكلمات إلى قولين في المسألة،
لأكثر...5

ششمین ویژگی: پرداخت استدلالها، اجتهادی است، چنانکه در بحث (التطهير بآنية الذهب والفضة)، نخست گرایشهای فقهی به پنج دسته تقسیم شده است:

1. قول به صحّت، مطلقاً؛

2. قول به بطلان، مطلقاً؛

3. تفصیل بین صورت ارتماس و غیر آن؛

4. تفصیل بین صورت انحصار و عدم انحصار که برای اولی بطلان و برای دومی، در صورت ارتماس، صحت اختیار شده است؛

5. تفصیل پیشین، افزون بر صورت صبّ (ریختن) به گونه ارتماس.

و سپس مبانی فنی گفته های مختلف، چنین بیان می شود.

1. إن مبني القول الأوّل يمكن أن يكون أحد وجهين:

الوجه الأوّل: أن يكون المحرّم خصوص استعمال الآئيتين في الأكل والشرب، لا مطلقاً...

الوجه الثاني: ويتوقف على قبول أمرين:

الأوّل: أن يدعى أن عنوان الاستعمال المحرّم غير متّحد في الوجود مع ما هو محقق التطهير من الغسل أو المسح...

الثاني: إمكان الأمر الترتّبي.

2. ومبني القول الثاني... دعوى صدق الاستعمال المحرّم على نفس بما في الآئيه حتى إذا كان بنحو الاعتراف منها...

3. ومبني القول الثالث مجموع أمرين:

الأوّل: أن التطهير بنحو الارتماس متّحد مع الاستعمال المحرّم؛ لأنّه بنفسه استعمال للآئيه، بخلاف التطهير بنحو الصبّ أو الاعتراف منها.

الثاني: إمكان الأمر الترتّبي...

4. ومبنى القول الرابع مجموع أمرين:

الأول: هو الأمر الأول المتقدم...

والثاني: القول بعدم إمكان الأمر الترتبي مطلقاً، أو في خصوص المقام...

5. ومبنى القول الخامس:

نفس مبنى القول الرابع مع إضافة أن التطهير بنحو الصب من الأنيه على الأعضاء يعد كالارتماس بنفسه استعمال للأنيه، فيتحد فيه الحرام مع الواجب، فيبطل حتى مع عدم الانحصار. 6

این مبانی، در میان مصادر فقهی موجود، تاکنون با این وسعت و تفصیل و در این سطح از دقت، پرداخته نشده است.

هفتمین ویژگی: در موسوعه، افزون بر ارائه گرایشهای فقهی و استدلالهای درباره آنها، گاهی بعضی از مناقشه ها و رد استدلالها، به گونه اجمال و یا تفصیل، نشان داده شده است.

همانند مناقشه استدلال بر بطلان نماز، با گفتن آمین که فقها نه وجه را برای اثبات بطلان نماز آورده اند. در موسوعه، تمام این استدلالها مردود و در آنها مناقشه شده است. 7

هشتمین ویژگی: حقیقتهای علمی و مطالب، بی هیچ گونه سوگیری بوده و بسیار روشن است، چنانکه در بحث (ائمه) و (آل البيت)، پس از آوردن همه نظریه های مخالف، به گونه ای روشن و به دور از تعصب، موضع حقیقی مذهب اهل بیت (ع) را نیز به گونه ای روشن و بی هیچ پیچیدگی ای، روشن می سازد.

نهمین ویژگی: در تمام اقسام و انواع بحثهای موسوعه، تناسب سطح و هماهنگی روش، رعایت شده که بسیاری دقت را در تطبیق روش و اسلوب موسوعه، برمی نماید.

دهمین ویژگی: مطالب و معلومات موسوعه، از ترتیب و نظم ویژه ای برخوردار است و در قالبی منطقی به شکلی نادر، در نوشتن بحثهای فقهی و حتی تخصصی، گرد آمده است.

برای نمونه: در نخست بحث (آنیه)، مطالب و مباحث، به گونه ای منطقی تقسیم می شود و مبانی هر تقسیم نیز چنین می آید:

(تقع الآنیة مورداً لأحكام فقهیة عديدة يمكن تقسیمها تارة من حيث الموضوع إلى ما يتعلّق بالآنیة من حيث المادة أی بالنظر إلى ذاتها وما صنعت منه ككونها من الذهب والفضة أو المواد النفطیة أو غیر ذلك، وإلى ما يتعلّق بالآنیة من حيث الحالات الطارئة علیها كتجنّسها أو غصبتها، وإلى ما يتعلّق بالآنیة من حيث هی.)⁸

بیازدهمین ویژگی: ساختار بیان و خطاب در بحثها، هم از ظهور و وضوح عبارت برخوردار است و هم از پختگی و دقت در مطلب، و با وجود نوآوری در الفاظ، اصالت مطلب نیز نگاه داشته شده و در حالی که برخوردار از زبان خاص و اصطلاحات فقهی است، از بیان عرفی نیز دور نمی شود.

دوازدهمین ویژگی: موسوعه، میان مطالب گذشتگان و مسائل عصر حاضر، به گونه ای تخصصی، پیوند و ارتباط برقرار ساخته، چنانکه می کوشد: در بیان هر ادعا، هم به آثار نصوص فقهی گذشته و هم به مطالب بیرون از این نصوص، به گونه ای علمی و نو، استناد شود تا درستی ذوق و فکر به کار رفته در موسوعه را برتابد و تقارن نگاه فقهی با درک صحیح از زمان را در بیان مطالب، برنماید.

همچنین، موسوعه در پیوند دادن نظریات جدید در سطح فقه و اصول، به نظریات گذشتگان، توانا نموده و کوشیده تا خواننده را به سوی نظریات بهتر، هدایت کند.

نمونه ای از این ویژگی را می توان در زیر عنوان (آدمی) جست که اشارات و نکات ظریف و توجه برانگیزی را، دربرمی گیرد.

سیزدهمین ویژگی: موسوعه، در هر موضوع، رساله و نمونه ای را به حوزه های علمی، پیش می فرستد که از جنبه های گوناگون، مطالب هر عنوان را وسیع، عمیق و دقیق پرداخته است. می شاید که مطالبش، چنانکه در بحثهای جلد اول آمده، با دقت و کنجکاوی، بررسی شود تا ویژگی های آن، نسبت به کارهای همانندش، آشکار شود.

با وجود تمام این ویژگی های فراوان برشمرده شده در موسوعه، تدوین جلد اول آن در مدت کوتاهی (کمتر از چهار سال) به پایان رسید⁹ که در مقایسه با دیگر موسوعات فقهی گردآمده در بیشتر از پانزده سال، بسیار شگرف می نماید.

در پایان، توفیق دست اندرکاران این مجموعه بزرگ را در ادامه و تکمیل آن، از خداوند بزرگ، خواستاریم!

مراجع

پی نوشتها:

2. همان, ج 1/331-338.

3. همان, ج 1/283 و 284.

4. همان/284.

5. همان/303.

6. همان/356-359.

7. همان/299-303.

8. همان/328.

9. پنهان نماند که در گذر سالهای پس از تأسیس مؤسسه, تا پیش از این چهار سال, به کارهای مقدماتی و آماده سازی پرداخته شده است, مانند: تهیه (معجم فقه جواهر) و (جواهر الکلام فی ثوبه الجدید).